

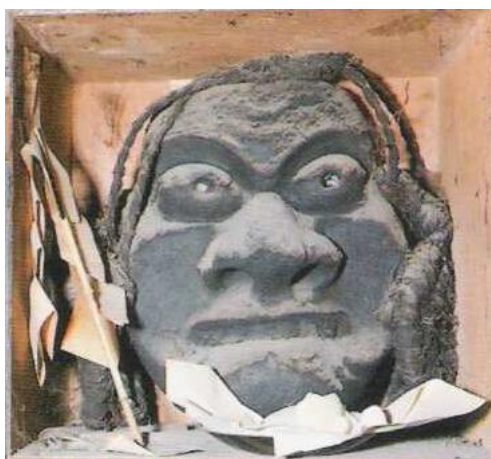
تقدس آتش و آب در فرهنگ ژاپن

- و تاکید بر پیوندهای ایرانی آن-

نگارش جمشید جمشیدی

پیش گفتار: در باورهای مردم ژاپن باستان آتش و آب در گوهر خود پاک و حیات بخشند، نه فقط از خاصیت پاک کنندگی آلودگی های فیزیکی و تراوت برخوردارند دارای خاصیت تطهیر ناپاکی های روانی و روحی نیز هستند. از این جهت است که آتش و آب در این فرهنگ از مقدسات قلمداد می شود، و موضوع ستایش و عبادت قرار گرفتند. در ایام نه چندان دور که ژاپنی ها کمتر به حمام دسترسی داشتند، استحمام و تجربه آب و آتش در حمام به میزان صرف یک غذای لذیذ، حیات بخش و مفرح بشمار می آمد. ژاپنی ها پس از استحمام به معنای رضایت و سپاس عبارت گوچی سوساما (gochisosama) را که معولن پس از صرف یک غذای لذیذ بر زبان میرانند بکار می بردند.

هرجا که آتش باشد روشنایی، نوزائی و رشد و تولید وجود دارد. آتش چه در کوه و کوهسار، معبد و عبادتگاه و خانه و کاشانه افروخته بشود از احترام برخوردار بوده، شایسته ستایش است. تنور و دیگ روشن در مطبخ خانه از تقدس برخوردار است. هنوز هم در مناطق شمالی ژاپن ماسک خدای تنور (فرتور ۱) با چهره ای کبود و سوخته که نمایانگر آتش برافروخته است در مناسک دینی نقش آفرینی می کند. آب جوشان در دیگ و بخار برخواسته از آن نیز پاک و پاک کننده آلودگی ها و پلیدی های (نجسّات) جسم و روح است. در دوران باستان جهت اثبات صحت و سقم گفته و یا رفتار شخص، او را وادار می کردند تا در آب جوش دست خود را وارد کند، اگر به سلامت این عمل را انجام میداد او را از گناه مبرا و چنانچه طاقت نمی آورد و یا می سوخت او را محکوم به گناه یا جرمی می کردند. چرا که آب جوش پاک است و در جایگاه خدای قاضی بر حق بود.



فرتور ۱ ماسک خدای تنور رایج در مناطق شمال ژاپن

در طول سال، در سراسر ژاپن به مناسبت های مختلف جشن های متعدد آتش و آب برگزار می گردد. در جدول ۱ جمع تعداد این جشن ها بالغ بر ۲۳۲ تخمین زده می شود. ماه ژانویه که آغازگر سال نو درگاهشمار امروز (گریگورین) ژاپن بشمار می آید میزبان بیشترین تعداد جشن های آتش و آب در این ماه است. در استقبال از سال نو طبیعتن مناسبت ها برای برپائی جشن افزایش می یابد.

این نوشتار قصد دارد در دنباله به معرفی برخی از جشن های معروف و ماندنی آتش و آب در ژاپن به پردازد، و رابطه آن ها را با جشن های مشابه در ایران بررسی نماید.

جدول ۱ تعداد جشن های آتش و آب در طول سال

ماه میلادی	ماه ایرانی	تعداد جشن ها
ژانویه	۱۱ دی- ۱۱ بهمن	۴۳
فوریه	۱۲ بهمن- ۹ اسفند	۲۲
مارس	۱۰ اسفند- ۱۱ فروردین	۱۳
آوریل	۱۲ فروردین- ۱۰ اردیبهشت	۲۱
مه	۱۱ اردیبهشت- ۱۰ خرداد	۱۵
ژوئن	۱۱ خرداد- ۹ تیر	۱۱
ژوئیه	۱۰ تیر- ۹ مرداد	۱۹
اگوست	۱۰ مرداد- ۹ شهریور	۳۲
سپتامبر	۱۰ شهریور- ۸ مهر	۱۲
اکتبر	۹ مهر- ۹ آبان	۱۳
نوامبر	۱۰ آبان- ۹ آذر	۱۱
دسامبر	۱۰ آذر- ۱۰ دی	۲۰
جمع جشن ها در سال		۲۳۲



در متن نوشتار از استان ها و شهرهای ژاپن نام برده شده است. نقشه حاضر میتواند راهنمای موقعیت جغرافیائی این محل ها باشد.

آتش و آب در استوره: در استورهای ژاپن می آید که خدایان با عبور از شرق آسیا از جهت جنوب به ژاپن می آیند و ساختن جزیره ژاپن را از جزیره اوچی شیما (Awajishima) شروع میکنند. زوج خدایان به نام **ایزاناگی** (Izanagi) و **ایزانا می** (Izanami) با تولید فرزندان بسیار خدایان سنتی ژاپن را در این خطه مستقر میکنند تا کشور را مدیریت کنند. این نوشتار با عبور از جزئیات مفصل داستان خدایان ژاپن تنها به خدایان مربوط به جشن های آتش و آب این کشور می پردازد. یکی از فرزندان این زوج خدای آتش به نام **کاگوتسوچی** (kagutsuchi) بود که پس از تولد، مادر او بر اثر حرارت آتش فرزند خود نابود شد. پدر با عصبانیت از این رویداد فرزند را میکشد ولی از خون فرزند که بر سنگ و گیاهان می پاشد و همین طور تن او خدایان بسیار از جمله خدای آتش، خدای ساعقه، خدای آب و خدای کوه و غیره متولد می شود. از این رویداد اندیشه زایش از پدیده مرگ ریشه می گیرد. آتش در این رویداد به عامل نوزائی و رویش تعبیر می شود. آتش سرچشمه وجودی تمام ذرات هستی بشمار می آید. آتش از جان حفاظت می کند. خون خدای آتش که بر روی سنگ و درخت پاشید این دو جسم را از گوهر نوزائی خود بهره مند می کند. از طرفی اصطهکاک سنگ ها با هم و یا اصابت جسم به درخت که سبب زایش آتش است باور گوهر آتش افروزی در این اجسام را اغنا می کند. میتوان در این پدیده ی استوره ای ریشه باورهای قداست سنگ و درخت را در نقاطی از ژاپن جستجوی کرد. (مردم اوکیناوا بر این باورند که در سنگ نیروی حفاظت از جان اهالی خانه وجود دارد. آن ها هنگامی که کسی از اعضای خانواده فوت کند سنگی را که در خانه نگهداری میکردند به دور می اندازند و سنگ نوی از دریا یا رودخانه جستجوی میکنند و به جای سنگ کهنه به خانه می آورند. سنگ کهنه آلوده شده و توانائی نگهداری جان را از دست می دهد ولی سنگ دریا یا رودخانه به جهت این که در معرض ساعقه و رعد و برق است از نیروی نهفته آتش جوان بالائی برخوردارست¹). سرچشمه این باور که با داشتن آتش می شود بر سرزمین یاماتو (Yamato) یا خطه بزرگ ژاپن باستان فرمانروائی کرد در استوره آتش است.

ایزاناگی پدر بعد از مرگ همسر به سرزمین ارواح سفر می کند تا با او ملاقات کند. چون سرزمین ارواح جائی پلید تعبیر می شده است روایت است که **ایزاناگی** در برگشت از آنجا به شستشوی بدن یا به تعبیر دینی تطهیر خود می پردازد. با شستن چشم چپ خود زرخدای **آماتراس** را متولد می کند. **آماتراس** یا خورشید خانم نماد روشنائی و فروغ جاویدان است و امپراتوران روی زمین، فرزندان بلامنازع او بشمار می آیند. **ایزاناگی** وقتی چشم راست خود را می شوید زرخدا **تسوکی یومی** (tsukiyomi) یا خدای ماه متولد می شود که در شب فروزان است. و در نهایت **ایزاناگی** با شستن بینی خود مرد خدا **سوسانو او** (susano-o) را متولد می کند که بسیار شیطان و سرکش است. نقش عامل آب در فرایند تولد فرزندان **ایزاناگی** برجسته و مقدس تعبیر می شود. هم در آئین کهن شینتو (神道 = Shinto) و هم در آئین بودیسم، ورد خواندن در آب سرد که به **می سوگی** (禊 = misogi) معروف است از آداب مقدس و بسیار مهم برای تطهیر جسم و روح بشمار می آید، و در فرقه های دینی بسیار هم رایج است (فرتور ۲). مراسم غسل در آب های جاری که در بین پیروان آئین ماندائی ایرانی رایج است شباهت بارزی با مراسم می

¹ 3つの火の起源—井本 英一、イラン研究—第6号、2010-大阪大学院言語文化研究科、言語社会専攻 (専攻言語ペルシヤ語)

سوگی ژاپنی دارد(به صفحه ۳۱ و ۳۲ نگاه کنید).



فرتور ۲ تطهیر جسم و روح یا "می سوگی" در اواسط ماه فوریه(بهمن- اسفند)- اجرای این مناسک در فصل زمستان نشان از اراده مقاوت در مقابل سرما و پشت سر گذاشتن آن و استقبال از فرارسیدن بهار نیز دارد.

نمونه می سوگی را در ویدئوهای زیر مشاهده کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=98q1X7bau5l&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=BFJrD8bjq-s&feature=related>

با وجود آن که امروزه انجام رسم می سوگی بسیار مختصر شده است، می سوگی آداب خاص خود را دارد که بسیار مفصل و دقیق است. محل انجام آداب می سوگی می تواند در آب دریا، رودخانه، دریاچه و یا حتا دوش خانه باشد ولی ابتدا لازمست که محل می سوگی قبل و بعد از انجام آن با نمک تطهیر شود، و خود عمل می سوگی همراه با ورد و ذکر مخصوص انجام گیرد. نمونه دیگری از رسم طهارت دست و آب کشیدن دهان قبل از ورود به اطاق عبادت در معابد رسمی است. معمولن یک حوض کوچکی حاوی آب روان در جلوی درب ورودی معابد برای تطهیر دست و دهان تعبیه شده است(فرتور ۳).



فرتور ۳ حوض کوچکی جهت تطهیر دست و دهان در معبد ریو آن جی (Ryuanji) = 龍安寺 در کیوتو

آتش افروزی در پیشواز از ارواح و بدرقه آن ها

از دوران باستان ژاپنی ها دوازده ماه سال را به دو بخش نیمه اول و نیمه دوم تقسیم می کردند. آن ها بر این باور بودند که در آغاز هر نیمه زمانی از سال ارواح رفته گان، به خانه سابقشان باز می گردند تا دیدارها را تازه کنند. بنابراین بازماندگان این ارواح می بایست برای استقبال از آن ها تدارک ببینند. ارواح در آئین ژاپن باستان یا شینتوئیسم به کامی(神=kami) یا "خدا" تبدیل می شدند ولی پس از نفوذ آئین بودیسم آن ها به هوتوکه(仏=hotoke)، سرور یا "شخصیت بودائی" تغییر می یافتند. جشن های استقبال و بدرقه "خدایان" یا بوداها در نیمه اول سال یعنی ژانویه یا در نیمه دوم سال در ماه ژوئیه یا اوت بر پا می شود. جشن **اُبن**(お盆=Obon) امروزه در شهرهای بزرگ در اواسط ماه ژوئیه ولی در شهرهای کوچک یا دورافتاده در اواسط ماه اوت بر پا می شود. امروزه این جشن در میان مردم ژاپن فارغ از گرایش های دینی به جشنی ملی تبدیل شده است و بسیار رایج و از مضمون های متنوع برخوردار است. ریشه واژه **اُبن**- آنطوری که پژوهشگر اساطیر ایران باستان استاد ای موتو(Imoto) تفسیر کرده است واژه **ارتاوان**(artavan) در فارسی قدیم پس از تغییراتی به **اهلاوان**(ahlavan) و بالاخره به **اولاوان**(ulavan) در فارسی میانه(پهلوی) تبدیل می شود. این واژه در فارسی به معنای گردش(سرنوشت) قبل و پس از مرگ است. این واژه **اولاوان** در متون چینی^۲ قرن هفتم میلادی **اولام بانا**(ullambana) ذکر شده است که درست به معنای آویزان بطور واژگون میباشد. این واژه **اولام بالا** ریشه لغوی واژه **اولام بونن** یا **اوراُبن**!(盂蘭盆会=urabon-e) میباشد که به **اُبن** کوتاه گردیده است.

مناسک اُبن بعد از رواج بودیسم- حکایت میکنند^۳ که در زمان حضرت بودا یکی از شاگردان او به نام Maudgalyayana پیش بینی میکند که مادرش پس از مرگ در قعر جهنم آویزان شده است، و وقتی او از بودا طلب کمک میکند بودا دستور میدهد تا در پانزدهم ژوئیه هر سال برای تمام اموات از هفت نسل قبل تا به امروز نوشیدنی و خوراکی فدیہ کنند. ظاهرین این رویداد را شروع رسم **اُبن**(お盆=Obon) و اصالت آن را منتسب به آئین بودائی میدانند. اما با افزایش رفت و آمد های ایرانیان(بخصوص تخاری ها، اهالی تخارستان) از نیمه دوم قرن هفتم به ژاپن معلوم میشود که این رسم یک رسم خالص بودائی نبوده ایرانی ها هم با وجود باورهای زردشتی خود با این رسم مانوس بوده اند(اگر چه در زمان متفاوتی). رسم بوده است که در این زمان یک طاقک چهار گوش با نی و ساقه درختان میساختند و به مانند خانه کعبه به دور آن طواف میکردند و بدین وسیله ارواح رفتگان خود را دلداری میدادند. در کتاب نی هون شوکی(日本書紀=nihon-shoki) که در قرن هفتم و در باره استوره های

^۲ 「一切経音義」 (A commentary on the Tripitaka)

^۳ شرح این حکایت بر گرفته از مقاله پژوهشی استاد ای موتو میباشد که در مجله تحقیقاتی ایران شناسی دانشگاه اوساكا منتشر شده است:

ژاپن باستان نگاشته شده است حکایت برگزاری اولین مجلس اُین نقل شده است^۴. امپراتور سَای می(齊明天皇 = saimei-tenno) دومین امپراتور زن در ژاپن، که تبار او را از باقیماندگان اقوام ایرانی کاسیت ها میدانند میزبان این مجلس بوده است. به سال ۶۵۷ میلادی شش نفر زن و مرد ایرانی از خطه تخارستان به ژاپن می آیند، امپراتور سَای می در ضلع غربی معبد آسکا(در استان نارا، این معبد هم اکنون نیز موجود است) با برافراشتن یک مجسمه سنگی فواره دار به پذیرائی میهمانان خود و برپائی مراسمی زردشتی می پردازد.

از عصر می جی(۱۸۷۳) به بعد بر پائی این رسم که منطبق با تقویم قدیم در پانزدهم ژوئیه هر سال صورت می‌گرفت تقریباً منسوخ میشود و غالباً این رسم را طبق تقویم مدرن ژاپن در ماه اوت از روز دهم^۵ به بعد برگزار میکنند. برای خشنودی ارواح رفتگان مردم به غیر از سر زدن به قبور در گورستان ها به نظافت محل سکناى خود یا چیدن علف ها می پردازند، و برخی هم با رقص و پایکوبی به استقبال رفتگان خود می شتابند.

بر افروختن آتش در استقبال از ارواح رسم رایج و شایسته ای است که در بسیاری از نقاط ژاپن مرسوم است. آتش استقبال ممکن است به صورت ساده و خانگی، باتهیبه کپه ای کوچک از آتش در جلوی خانه خود و پریدن از روی آن(فرتور ۴) صورت بگیرد، یا ممکنست با شرکت اهالی محل بطور دسته جمعی و با عظمت هیجان انگیزی در سطح منطقه و شهر برگزار گردد.



فرتور ۴ برپائی آتش و پریدن از روی آن
رسمی شایسته در استقبال از ارواح

در مناطقی از ژاپن اهالی شهر با در دست گرفتن مشعل های پر شعله به رقص و پایکوبی می پردازند که جوئی عرفانی و هیجانی بوجود می آورد.

4 封印された日本古代史 ミステリー、久慈 力 著—2008 Gakken-pp130

5 <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E3%81%8A%E7%9B%86>



فرتور ۵ برپائی آتش اُبن در کوه- در استان آی ایچی

در شهرهای دیگری از جمله شهر باستانی کیوتو با بر پائی دو نوع آتش این رسم را شایسته برگزار می کنند. در استقبال از ارواح در سیزدهم اوت آتش استقبال (迎火 = mukae-bi) و در شانزدهم اوت در بدرقه آن ها آتش بدرقه (送り火 = okuri-bi) بر پا میکنند. در کیوتو هر ساله در این برهه مراسم آتش زنی در کوه مرسوم است. آتش زدن کوه بر پایه باور تخریب به هدف نوسازی عصر باستان انجام می گیرد. سوزاندن علف های خشک و کهنه کوه به جهت نوسازی و آماده کردن زمین برای پرورش محصول بهتر تعبیر می شود. فرتور ۵ نمونه ای از آتش افروزی در کوه را در استان آی ایچی که از مراسم کیوتو الگو برداری شده است را نشان می دهد.

در مناطق شمالی ژاپن از جمله موری اوکا (盛岡 = Morioka) رسمی وجود دارد که به "به آب انداختن کشتی شعله و ارواح" مشهور است. این کشتی که مزین به هدایا، دعا و التماس و خواهش و آرزو از ارواح است شعله ور در آتش بوسیله جوانان محل در بدرقه از ارواح پاک رفتگان در آب روان می شود تا بسوزد و محو گردد (فرتور ۶).
عکس های بسیار زیبایی این مراسم را در تارنمای زیر مشاهده کنید:

<http://wadaphoto.jp/maturi/funakko2.htm>

جشن های متنوع دیگری با آفروختن آتش در برخی از شهرهای ژاپن برگزار می شود که قابل توجه است. برپائی رژه سد و هشت شعله آتش در استان سایتاما یکی از این جشن هاست که ابهت خاص خود را دارد. شعله های ممتد آتش تا تپه های بالای روستا که چشمکزنان ارواح را بدرقه میکنند شکل ماری را به خود می گیرد که در تاریکی دلگیر شب اندوه به دل بازماندگان می اندازد.

در شهر ناریتا در استان چیبا مراسم برپائی آتش در زمان بدرقه ارواح برگزار می شود.

شعله های بسیار آتش از داخل شهر تا دروازه خروجی شهر به گونه ای پیوسته در یک خط با شکوه خیره کننده ای به مراسم هیجان می بخشد(فرتور ۷).



فرتور ۶ رسم به آب انداختن کشتی شعله ور به پاس ستایش ارواح



فرتور ۷ آتش بدرقه تا دروازه خروجی روستا شعله ور است.

بجای افروختن آتش در برخی از مناطق با روشن کردن شمع های متعدد و یا فانوس های مخصوص این جشن را برپا می کنند.

جشن آتش در معبد ناچی: معبد ناچی (那智大社 = nachi-taisha) که به عنوان میراث فرهنگی جهانی در یونسکو نیز به ثبت رسیده است در شهر واکایاما (和歌山 = wakayama) قرار دارد. این معبد محل کرنش و ستایش بسیاری از خدایان شینتو مانند ایزانامی، آماتراس، سوسانوو و سروران بودائی از جمله میروکو (弥勒 = Miroku) که نام ژاپنی میترا یا میتره (Mythreya) است میباشد. در این معبد هر ساله در چهارم ماه ژوئیه جشن آتش بسیار باشکوهی بر پا می گردد. این معبد در دامنه کوه ناچی بنا گردیده است که در جوار آن یک آبشار معظم به بلندی ۱۳۳ متر قرار دارد. این آبشار به لحاظ دینی و تاریخی بسیار با اهمیت است، باور اهالی بر این اصل استوار است که روح خدای آب هر ساله در این زمان در این آبشار حلول می کند و لازم است که اهالی با جشن آتش به استقبال از آن بروند و ادای عظمت و احترام لازم را بجای آورند. دوازده علم بادبزن دار (فرتور ۸- سمت راست) را برای انتقال "خدا" به شهر آماده می کنند و جوانان علاقه مند با حمل دوازده مشعل بزرگ که هر کدام ۵۰ کیلوگرم وزن دارد به استقبال "خدا" به پای آبشار می روند (فرتور ۸- سمت چپ و فرتور ۹). همان گونه که در فرتور قابل مشاهده است جوانان مشعل دار خود را در لباس سفید پوشانده اند و کلاه سیاهی بر سر دارند. لباس سفید نماد پاکی است که مغان زردشتی هم در هنگام دعا و مناسک دینی می پوشند. کلاه بر سر آن ها را کلاه کلاغی یا شکسته می گویند زیرا بخش بالائی و آزاد آن به عقب یا جلوی سر شکسته می شود. این کلاه، کلاه نمادین مهر پرستان یا میترائیست ها بوده است.



فرتور ۸ راست- علم های بادبزن دار که مخصوص محل "خدا" می باشند. چپ- جوانان سفید جامه با کلاه کلاغی مشغول حمل مشعل های سنگین هستند.



فرتور ۹ راست: حمل مشعل های سنگین برای استقبال از "خدایان" در پای آبشار. کلاه مشعل داران به کلاه کلاغی یا شکسته موسوم است. این کلاهی است که میترا (تصویر سمت چپ) همیشه درانظار به سر دارد و یکی از نمادهای او بشمار می آید. (نقاشی میترا در حین ذبح گاو مقدس از استاد ماساتو توجو است.)

چند ویدئوی زیبا و هیجان انگیز از مراسم آتش در معبد ناچی:

<http://www.youtube.com/watch?v=LU25urt1k6A>

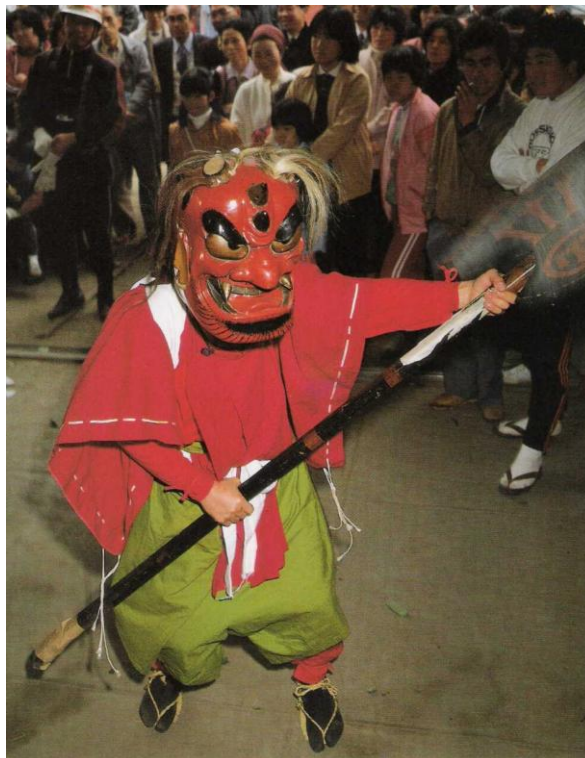
<http://www.youtube.com/watch?v=VI7vGslXwz4&NR=1>

<http://www.youtube.com/watch?v=5om6muKitTw&feature=related>

جشن های سال نو: در ژاپن امروز اول ژانویه به عنوان روز آغاز سال نو یا اولین روز نیمه دیگر از دو نیمه زمانی سال تعیین شده است. این روز بر پایه گاهشمار گریگوری یا تقویم خورشیدی است و به نوروز نرینه مشهور است. اما طبق گاهشمار قدیم ژاپن آغاز سال نو پانزدهم ژانویه بر پایه تقویم قمری بوده است که به نوروز مادینه انگاشته می شود. از این جهت است که برخی از جشن ها در روز اول و برخی در روز پانزدهم و یا حوالی این روز بر پا می گردد.

در جشن های اول سال نو ارواح در شکل "دیو" ها در اشکال مضحک و گاهی ترسناک ظاهر می شوند و عمومن عامل تخریب برای سازندگی بشمار می آیند. در فرتور ۱۰ نمونه یکی از این "دیو" ها را مشاهده می کنید که با پوشیدن یک ماسک ترسناک و لباس قرمزی بر تن و تبری در دست نظر اهالی محل را بخود جلب کرده است. لباس قرمز این "دیو" نشان از آتش دارد و با تبر در دست به انجام ماموریت سوزاندن مزرعه و تخریب آن به جهت بدست فراموشی سپردن کهنه ها و تلاش برای نوآوری و محصول بهتر مشغول است. این جشن که به "

دیو جشن گل" معروف است در برخی از مناطق با رقص و پایکوبی از ماه نوامبر تا اواخر ماه ژانویه ادامه می یابد.



فرتور ۱۰ ظهور دیو ترسناک در جشن "دیو جشن گل"، لباس قرمز دیو نشان که از آتش دارد به همراه تیر در دست او آلتی برای سوزاندن مزارع کهنه به جهت تولد دوباره زمین و بارآوری محصولی بهتر (استان آی ایچی)

فرتور ۱۱ نمونه دیگری از جلوس "دیو" را در مراسم روز ۱۸ ژانویه در یک محله شهر توکیو نشان میدهد.

"دیو" ها در شب ظلمانی با چرخاندن مشعل های آتشی که در دست دارند جشن را رونق می دهند. ساکنین در عبور از جوار آن ها سعی می کنند با گرد آتش در تماس قرار گیرند و بدین وسیله سالی را بدون بیماری و رنج به پایان برسانند. در مناسک دیگر هم این باور که تماس با آتش و یا گرد آن سبب سلامتی و آرامش می شود تجربه می گردد.

مراسم جشن آتش جالب دیگری (فرتور ۱۲) در پانزدهم ژانویه در استان ناگانو (=長野 Nagano) برپا می شود که دوگروه از جوانان در آن شرکت می کنند. یک گروه با تلاش فراوان از آتش گرفتن برج عبادتگاه ممانعت می کند ولی گروه دیگر می کوشد تا با مشعل های برافروخته برج را در آتش روشن کند. در انتها جوانان گروه اخیر موفق می شوند با خواندن سرود دینی برج را به آتش بکشند و آن را همچنان روشن نگاهدارند. مراسم هیجان انگیز این جشن را در ویدئوی زیر مشاهده کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=QI-fv9dvHE>



فرتور ۱۱ ظهور "دیو" ها با مشعل های آتش در محلات توکیو



فرتور ۱۲ جشن آتش در ناگانو. رقابت بین دو گروه، یکی آتش زن و دیگری خاموش کننده آتش

جشن های آتش و آب در استقبال از فرارسیدن فصل بهار

جشن کهن میزوتوری در ناراً: یکی از جشن های ماندگار در استقبال از فرارسیدن فصل بهار جشن آتش و آب در معبد تودای جی (東大寺=toudaiji) در شهر کهن فرهنگی ناراً است. این جشن که به میزوتوری (水取り=mizutori) یا "آداب آب کشی" مشهور است از سال ۷۵۲ میلادی هر ساله از اول ماه مارس به مدت دو هفته در سالن نی گاتسودو (二月堂=nigatsudo) این معبد که در قرن هفتم میلادی بنا شده است انجام می گیرد. هر ساله بدون استثناء جمعیت بسیار انبوهی از سراسر ژاپن از این جشن بازدید می کنند که نشانه بارزی از اهمیت و جذابیت آن بشمار می آید (فرتور ۱۳).

به نشانه پرستش از سرور این معبد یازده تن خادمین معبد با رعایت آداب خاصی در تاریکی شب مسئول حمل "آب معطر" از چاه مجاور می شوند. به جهت روشن کردن مسیر پیمایش این "آب کشی" مشعل های فراوان آتش می افروزند. هفت روز اول جشن به نشانه پشت سر گذاشتن مشقت سرمای زمستانی یا مرگ فصل طاقت فرسای و هفت روز آخر آغاز فصلی نو به همراه نوآوری و تولدی دیگر یاد شده است. در این جشن پدیده تولد بعد از مرگ به خوبی ترسیم شده است. از دیر باز مردم ژاپن بر این باور استوار بودند که تماس با ذرات آتش سبب سلامتی و شادابی آن ها می شود. جمعیت با شرکت در آداب میزوتوری تلاش می کنند تا در زیر باران گرده های آتش قرار بگیرند تا بدین وسیله سالی را در سلامتی و خوشوقتی بسر کنند.



فرتور ۱۳ شعله مشعل های آتش در جشن آتش و آب میزوتوری در معبد تودای جی ناراً

برخی از پژوهشگران ژاپنی از جمله ای موتو (Eiichi Imoto) برگزاری این جشن را در رابطه با فرهنگ ایران میدانند. در ایران پس از یلدا تا فرارسیدن نوروز نود روز داریم که چهل

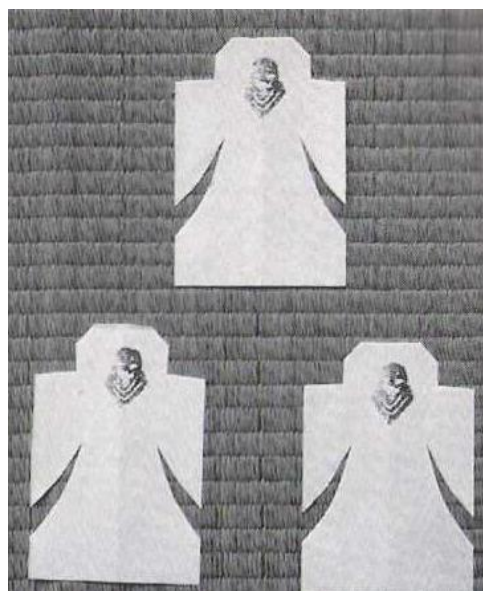
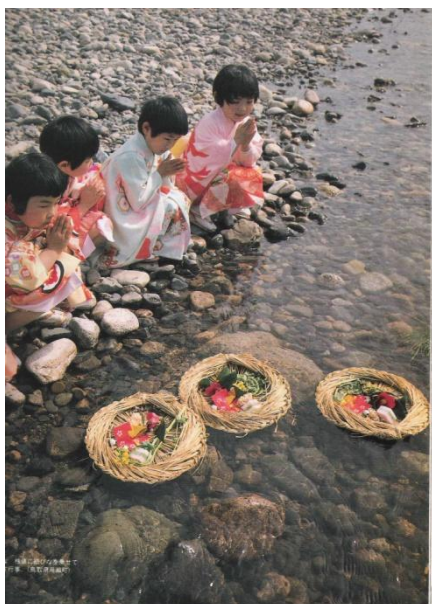
روز ابتدا را چهله بزرگه و بیست روز بعد را چهله کوچکه می گویند، که جمعی شصت روز می شود و به دوران سخت زمستان منتسب است. به عبارتی این شصت روز دوران عزای طبیعت و طاقت فرسا است ولی سی روز بعد که به عید نوروز منتهی می شود به دوران نوزائی و تولد دوباره طبیعت و نوید زندگی نو منتسب است. استاد ای موتو ریشه باورهای آداب میزوتوری یا جشن آتش و آب معبد تودای جی را در فرهنگ ایران باستان جستجوی میکند

چند ویدئوی زیبای این جشن را در لینک های زیر مشاهده کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=V7MkwwXV84g&feature=related>

http://www.youtube.com/watch?v=mMsFwIIk8_A&feature=related

رسم به آب انداختن عروسک ها: عروسک را در زبان ژاپنی نین گیو (ningyo) = 人形 می گویند، و نین گیو یعنی "شکل آدم". با وجود این که امروزه معنای عروسک، نوع آن و اساس برداشت از آن تفاوت کرده است اما در دوران باستان عروسک های طرح شده حامل گناهان و "نجسات" اخلاقی انسان می شد و بنابراین خوش یمن نبوده است. با کاغذ یا پارچه شکل ساده آدم را در قالب عروسک (فرتور ۱۴) می ساختند و در روزی از ماه مارس (اسفند) که ماه تغییر فصل و افزون بر آن فصل بهار نیز بود به آب دریا یا رودخانه می انداختند و تا محو شدن از میدان دید با خواندن سرود و ورد آن را تعقیب می کردند.



فرتور ۱۴ عروسک های ساده کاغذی
 فرتور ۱۵ به آب انداختن عروسک های نمادین بد یمن
 به آب انداختن عروسک های نمادین در استان ناگانو (فرتور ۱۵) و یا مراسم به انداختن قایق شامل عروسک های بد یمن (فرتور ۱۶) یک روستا در استان واکایاما (wakayama) در سوم

ماه مارس امروزه نیز با شکوه فراوان بر گزار می شود. در برخی از مناطق ژاپن عروسک ها را به کنج انبار پنهان میکردند و یا دور می انداختند تا نحسی آن ها گریبان اهالی خانه را نگیرد. در روزهای ماه مارس که مصادف با فرا رسیدن فصل بهار است اجزای طبیعت از جمله آب سرشت پاکی و توانائی تطهیر خود را باز می یابد و گناهان را که بار عروسک های نمادین می کنند سشتشوی می دهد و این رسم آرامش را به مردم باز می گرداند.^۶



فرتور ۱۶ مراسم به انداختن قایق حامل عروسک های بد یمن

در ژاپن با تاثیر بخشی از رسوم چینی، مردم ناحیه نارا رودخانه های کوچکی در باغ خانه خود می ساختند و با گردهم آئی جامی از می را در آن شناور می کردند. شرکت کنندگان در درون رودخانه به خواندن سرودهای ویژه ای ادامه می دادند تا نوبت نوشیدن جام می به آن ها روی آورد.

^۶ بد نیست بدانیم که در چین از عصر کهن در آغاز فصل بهار مردم از خانه های خود به دامان دشت و کوه پناه میبرند و به گونه ای نمادین سبزه ها را لگد مال می کنند. این رسم بسیار به آداب روز سیزده بدر ایرانی شباهت دارد.

جشن آتش در آئین شوگن دو

برای دسترسی به اطلاعات مفصل تر و آگاهی به اصطلاحات مطرح در متن این فصل به توضیحات در "پی نوشت ها" نگاه کنید. پی نوشت های [عدد] در انتهای نوشتار قابل دسترسی است.

یکی از سه "طریقت" های اصلی آئین بودیسم^[۱] در ژاپن، می گیو^[۲] یا مکتب اسرار است که مریدان شاخه شین گون شو (shingon)ی آن با پیروی از منش موسس آن، دینمرد کوکای به برگزاری منظم مراسم شوگن دو (修檢道 = shugendou) یا "راه ممارست و آزمون" برای دسترسی به حقیقت مطلق می پردازند. شوگن دو یک فرقه دینی است که از تلفیق بودیسم و آئین بومی باستانی شینتوی (神道 = Shinto) ژاپن شکل گرفته است. در این آئین کوه پیمائی سیر و سلوک در جذبیه های طبیعتی با شکوه آن به هدف محوری و اصلی باورها تبدیل شده است. آتش افروزی و می سوگی در این آئین رواج دارد. در روش شوگن دو سالانه مراسمی برگزار میگردد که در آن برپائی آتش (مقدس) یا دای گوما (daigoma = 大護摩) نقطه اوج آن است. دای (dai) به معنای بزرگ و گوما (goma) تحت الفظی به معنای نزدیکی یا اتصال است. گوما واژه اصیل ژاپنی نیست ترجمه آوائی واژه "هما" (homa) یا هوما (huma) و یا همام (homam) در زبان سانسکریت است. آداب و مراسم "هما" که ریشه در باورهای پیروان هندوئیسم داشته است بعدن در آئین بودیسم نفوذ میکند که بشکل یک مجموعه فرهنگی بودائی از طریق چین به ژاپن منتقل میگردد.

"هما"^[۳] در باورهای هندوئیسم و بودیسم به مناسکی گفته میشود که با بر پائی آتش گسترده ای به فدیة، نذر و دعاخوانی بر آن می پردازند. مناسبت های بر پائی این مراسم متنوع است^[۴]. زیانه کشیدن این آتش به آسمان نشان از رسالت بزرگ ارسال و اتصال پیام ها و آرزوهای مریدان به خدایان یا دیوان (Devas) و یا، روح کاینات "برهمن"^[۵] است. با چنین رسالتی این آتش از تقدس و گوهر خدائی برخوردارست و به همین مناسبت است که به آگونی^[۶] (agoni) یا خدای آتش شهرت می یابد. آگونی خدای آتش یا آتش خداست. در ژاپن نیز با اندکی تفاوت مراسم برپائی آتش مقدس گوما یا "هما" برگزار میگردد:

۱- در فرقه مذهبی آگون^۷ (Agonshu) که شاخه ای از مکتب اسرار (mikkyou) بودیسم است مراسم برپائی آتش مقدس که به جشن ستاره نیز معروف است هر سال در ۱۱ فوریه در کیوتو برگزار میشود. دو تل بزرگ از برگ های درخت هی نوکی^[۷] (Japanese Cypress) که به آسانی آتش میگیرند بر پا میکنند. یکی از دو تل برای آتش عابدین زنده و دیگری برای رفتگان است. الهام دهنده عابدین زنده، بودا منشی (فضای بودی) و تل رفتگان آرزوی پیوند با دنیای خدایان (فضای لاهوتی) است (فرتور ۱۷).

^۷ آگون هم واژه ایست مشتق از آگونی یا آتش و اخگر فارسی.



فرتور ۱۷ (عکس از خود نگارنده است)

مریدان و پیروان وفادار، آرزوهای خود را روی تکه تخته های آماده شده (که میخزند) می نویسند و به همراه زمزمه اوراد و دعاخوانی های رسا و دسته جمعی در آتش مربوطه می اندازند. این مراسم تا خاموش شدن تل آتش ها ادامه می یابد. هم رقص پیچاپیچ دود سفید و هم شعله های سوزان آتش در روند صعود به آسمان یک آرامش خاطر و شور وصف ناشدنی را در پیروان آرزومند به ارمغان می آورد. زبانه کشیدن شعله های آتش به سوی آسمان پرواز "هما"ی گسترده پر با خوشه باری از تخم های نوزائی را در خاطر ایرانیان زنده میکند (به پی نوشت ۳ نگاه کنید).

۲- در مراسم آتش افروزی که در معبد ریوان جی (龍安寺=Ryuanji) (معبد آرامش اژدها) هر ساله در ۱۵ آوریل در شهر می نوو (箕面市=Minoh shi) برپا می گردد تنها یک تل آتش برافروخته شد. ولی بقیه مراسم به مانند روش شوگن دو در مذهب آگون برگزار می گردد (فرتور ۱۸ و ۱۹).



فرتور ۱۸ (عکس از خود نگارنده است)



فرتور ۱۹ (عکس از خود نگارنده است)

۳- در برخی از گرایش های شوگن دو در انتهای مراسم آتش افروزی کاهنان یا حتا مردم عادی با پای لخت بر روی آتش ها راه میروند. این مناسک را هی واتاری (hiwatari) یا عبور از روی آتش می نامند. در فرتور ۲۰ عمدتن کاهنان ولی مردم عادی نیز در صورت رغبت میتوانند از روی آتش در حال احتزاز راه بروند. در فرتور ۲۱ کاهنان حتا از روی آتش شعله ور عبور میکنند. آتش نماد پاکی، حرارت و نیرو قلمداد می گردد. از روی آتش عبور کردن تلاش در کسب این نیرو و الهام از پاکی آن است. در مراسم رایج چهارشنبه سوری [۸] هم مردم با نیت یکرنگی با آتش از روی آن می پرند.



فرتور ۲۰ مراسم
عبور از روی آتش



فرتور ۲۱ سمت راست: یک پیروی آئین شوگن دو یا یامابوشی (山伏=yamabushi) یا کاهن کوه نورد را نشان میدهد که با شجاعت در حال پرش از روی آتش است. سمت چپ: پرش از روی آتش در چهارشنبه سوری ایرانی.

مراسم گومائی که توصیف آن رفت به گومای برونی معروف است. در مقابل این گومای برونی گومای درونی داریم که حکایت از سوزاندن کینه ها، دشمنی ها و تمام صفات و اخلاق ناپسند در وجود خود انسانست. اصولا برپاکردن گوما اغنای احساسات صلح جویانانه و آرزوی برقراری آرامش و همدردی و اجتناب از ستیزه جوئی و غضب است.

تقدس آب و آتش و خاک در کشتزارها

غذای اصلی ژاپنی ها از دیر باز برنج بوده و امروزه نیز برنج است. طریقه کشت برنج هم در شالیزارهای پر آب صورت می گیرد. پر باری محصول برنج آرزوی مردم است زیرا که ضامن حیات آن هاست. از این جهت است که در شالیزارها "خدا" نهفته است و مردم در زمان کشت با برگزاری جشن و پایکوبی از "خدا" ی شالیزارها کمک می طلبند و در زمان درو به نشانه سپاس از آن ها مراسم نمادینی برپا می کنند.

در استان می (三重県=Mie) در زمان کشت برنج در ماه ژوئن تعدادی از جوانان زن و مرد (فرتور ۲۲) دست در دست در اطراف کشتزار نمادین برنج حلقه میزنند و در حین چرخ زدن بدور آن با خواندن آواز و پایکوبی از "خدا" ی شالیزار می خواهند تا فعالیتش را آغاز کند و پربراری محصول را یاری برساند. شرکت دوجنس مرد وزن دست در دست به نشانه تهیج "خدا" به افزایش قدرت باروری خود در شالیزار است.



فرتور ۲۲ جشن شالیزار در ماه ژوئن در استان می!

نمونه جالب دیگری از جشن های کشتزار برنج جشن "وحدت با گِل و لای" شالیزار است. در استان چیبا جوانان محل با بدن برهنه در متن گِل و لای شالیزار به برگزاری بازی های مختلف می پردازند. گِل و لای شالیزار را به صورت کودکان می مالند، یا تماشاچیان را با لباس به درون شالیزار می کشانند تا با گِل و لای بیامیزند. ساکنین بر این باورند که با برپایی چنین جشن هایی زمین شالیزار را برای باروری بیشتر فعال می کنند. به صورت مالیدن گِل و لای از این جهت است که در گِل و لای که مخلوطی از آب و خاک است روح "خدا"ی شالیزار، نماد نو آوری و شکوفایی نهفته است. گاهی هم به صورت دوده می مالند که نشان "خدای آتش" نماد گذشته است، زیرا آتش برای سوزاندن زمین پیر و آماده کردن آن برای کشت جدید بکار گرفته می شد.

باز در شهری از استان چیبا جوانان در برکه ای مملو از گِل و لای که کنایه از زهدان مادر دارد هر ساله بازی جالبی را انجام میدهند (فرتور ۲۳). در این نمایش هر شرکت کننده ای می کوشد تا با قدرت تمام صندوق مقدس یا می کوشی (Mikoshi=神輿) را از دست رقیب برآید و از برکه خارج شود. این جشن تعبیری از تولد دوباره در فصل کشت بشمار می آید. اهالی روستا برای زنده نگاهداشت و حفاظت کشتزارها فعالیت های زیادی انجام میدادند که بسیاری از آن ها جنبه جشن بخود می گرفت. یکی از این فعالیت ها روش گرداندن مشعل های نمادین در روستا برای دفع آفات کرم های زراعی بود (فرتور ۲۴)



فرتور ۲۳ جشن تصاحب صندوق مقدس در گِل و لای یک برکه (استان چیبا)

اهالی بر این باور بودند که در تاریکی شب چرخش مشعل های شعله ور باعث پخش گرده ذرات آتش می شود و درخشش آن ها در آسمان به مانند ذرات جاندار (کرم شب تاب؟) جلوه می کند که می تواند سبب ترس کرم های موذی بشود و آن ها را فراری بدهد. به این روش مبارزه با ارواح خبیثه یا "فراری دادن کرم ها" می گفتند. آن ها عقیده داشتند که بیماری های گیاهان بر اثر وجود ارواح خبیثه است که در تن کرم ها پیکر گرفته است. روز بعد از "فراری دادن کرم ها" به روز استراحت و تعطیل موسوم بود که اهالی روستا دست از کار می کشیدند.



فرتور ۲۴ فراری دادن کرم ها بوسیله گرداندن مشعل های فروزان در مزارع

پی نوشت ها

۱- سه "ره" اصلی در آئین بودیسم قابل تشخیص است. یکی "ره" بودیسم ابتدائی است که از زمان خود گوتما بودا حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد اشاعه داده شد و به شاخه هینایانه (Hinayana) یا ره کهتر (سفینه کوچک) معروف است، عمدتاً به سرزمین های آسیای جنوب شرقی مانند ویتنام، تایلند، سیلان و برمه گسترش می یابد. بودیسم ماهایانه (Mahayana) یا ره مهتر (سفینه بزرگ) شاخه دیگری از بودیسم است که عمدتاً در چین و ژاپن پیروان کثیری را جذب میکند. بودیسم وجرایانه (Vajrayana) (یا سفینه الماس) سومین شاخه بزرگ بودیسم است که عمدتاً در تبت مورد ستایش و پرستش قرار میگیرد. در آئین بودیسم اولیه منش و پندار و زندگی بی آرایش و عابدانه خود بودا الگوی مریدان او قرار میگیرد و مفهوم روح و یا یک هستی متافیزیکی قابل تصور نیست. برای رسیدن به مقام والای بودا باید آموزه های او را حلقه گوش کرده، ممارست های او را آزمود و قابلیت این کار هم محدود به قشر کاهنان و شاگردان متعصب و جدی این آئین میشد.

در شاخه ماهایانه که عمدتاً در چین و ژاپن گسترش می یابد مفهوم روح یا خدا و هستی متافیزیکی با پندارها و مفاهیم بودیسم تلفیق میگردد. اصولاً ژاپنی ها قبل از این که به بودیسم بگردند پیرو خدایان (نیروهای غیبی) بودند. چند خدائی اعم از خدایان فردی، گروهی، شهری و منطقه ای و کشوری همه و همه مورد احترام و ستایش قرار می گرفتند. ژاپن آنقدر مملو از خدایان بوده است که به طنز، این کشور را دارای فرهنگ "هشت میلیون خدائی" یا یائو یوروزوکامی (八百万の神 = yaoyorozu-no-kami) معروفی میکنند. نیرو یا عامل غیبی که به نحوی، در جایی به یاری و یا سرزنش و ستیز با مخلوقات در می آید مفهوم خدا (روح نامرعی) را می یابد. ژاپن با داشتن چنین پیشینه فرهنگی به راحتی پنداری را که نیرو یا هستی مافوق گوتما بودا را مطرح میکند حضم کرد و خود به اشاعه و توسعه آئین جدید بودیسم کمر بست. اشخاصی به مانند گوتما بودا در آئین بودیسم ماهایانه انسان های الگوئی هستند که از مراقبت و پیشبینی نیروی نادوگانه و لاهوتی برخوردارند. البته تمام مردم با برخورداری از گوهر بودائی قابلیت صعود به ورای مرزهای خود، به فضای لاهوتی را دارند.

۲- می گیو (mikkyou) به مکتب اسرار در آئین بودیسم معنا میگردد، ولی این واژه که به حروف ژاپنی (密教) نگاشته میشود به باور پژوهشگران به معنای آموزه های می روکو (Miroku) یا میترا (Mitra) است. میترا که واژه سانسکریت آن مایتریا یا میتره (Maitreyana) است آموزه های خود را توسط شاگردان در غالب مکتب می گیو اشاعه داده است. دو مدرسه مکتب اسرار یا می گیو با نام تن دای شو (Tendaishu) و شین گون شو (Shingonshu) با موسسین متفاوت ولی با یک خدای (یا حقیقت نهائی) به نام دای نی چی نیورای (= Dainichi nyorai) در تاریخ تحولات بودیسم ژاپن قابل ذکر است. حتا میتوان پیدایش دین می گیو را جنبش بزرگی در تاریخ فرهنگی بودیسم بشمار آورد. دای نی چی (= 大日) به معنای خورشید درخشان ازلی و ابدی (ورای خورشید فیزیکی) است که حیات بخش تمام موجودات در پهنای عالم بشمار می آید، و این خود برابر با مفهوم عرفانی میترا قلمداد میگردد. میترا در

آئین میترائیسم غربی به "خورشید شکست ناپذیر" ملقب بوده است، کسی که خورشید فیزیکی تحت فرمان اوست. دینمرد کوکای (Kukai) ژاپنی موسس مدرسه شین گون شو می گیو در قرن هشتم میلادی است. او با سفر به چین و آموختن مفاهیم و ممارست ها و آزمون های لازم موسس این مکتب در ژاپن میگردد. (برای مطالعه بیشتر به مقاله "مهرپرستی" از همین نویسنده مراجعه کنید.)

۳- "هما"ی هندوها اشاره به مراسم عبادی و دعاگزاری از راه برافروزی آتش و در بودیسم ژاپنی "هما" همانا خود مراسم آتش افروزی است.

"هما"ی ایرانیان هم در فرهنگ این کشور جایگاهی بس رفیع دارد. این مرغ بلند پرواز خیالی نام دیگرش همان "سیمرغ"، زنخدای ایران باستان است. سیمرغ مرغ انتزاعی گسترده پر در فرهنگ ایرانیان باستان نماد هم آهنگی، پرورش، نوزائی و تکامل بوده است، که با سوزاندن پرش برای یاری رساندن در هر کوی و برزنی حاضر میشود. گو این که سیمرغ در ورای قله های بلند البرز آشیانه دارد هم در اعماق انسان جای میگیرد و هم در پهنای جهان و فضای کاینات حضور می یابد. اجازه بدهید به تکه زیر که رابطه "هما"، "سیمرغ" و "آتش" را در فرهنگ جاودان ایران به زیبایی قابل توجهی ترسیم میکند توجه کنیم:

" «هما»، در ادبیات ایران، بنام «استخوان رند» خوانده میشود. «استخوان رند» مجموعه هسته هائیت که هما، آنها را از نو به زندگی میانگیزد. «رند» معنای «انگیزاننده به زندگی نوین» را دارد، که فراموش شده است. و مفهوم «رند و رندی» در ادبیات ایران نام همین خداست (رند آفریت = رند آفریس = زن رند = زنخدای نوساز) که خویشکاریش، جان بخشی و نوآفرینی است. در اذهان و به ویژه در ادبیات ایران، این رد پا باقی مانده است که «هما، بسیار قانع است، و فقط استخوان میخورد». ولی هما یا سیمرغ، مرغی شمرده میشود، که «استخوان مردگان» را نمیخورد، بلکه «سایه بر آنها میافکند»، و در این سایه افکندن بر آنها، «با آنها جفت میشود، و آنها را، مانند همان «زال» به آسمان، به آشیانه خود میبرد»، تا همیشه از گزند و آزار بری بمانند، و از پستان او شیر بنوشند. «استخوان = است + خوان»، به معنای «خوان تخمه ها و هسته ها» است. همه تخمه جانها در زمین، در آسمان، در سیمرغ از سر گرد هم میامدند، و با سیمرغ میامیختند و زنده و نو میشدند. «سایه انداختن سیمرغ یا هما بر تخمه جانها، چه گیاهی چه حیوانی چه انسانی»، معنای «برافروختن، یا از نو زنده ساختن» آنها را داشت. از این رو به سیمرغ یا هما، یا عنقا، آتش فروز (=آتش افروز) میگفتند، چون «آتش»، اصطلاحی برای «تخم» بود (تش = تخشه، به معنای نی = دوخ است. افروختن نی، به معنای «انگیختن زن به آبستنی». همانسان که باد(وای به = سیمرغ)، مریم را آبستن میکند. " - نقل از کتاب "مولوی بلخی و سایه هما" صفحه ۲۵ نوشته م- جمالی

۴- به تعدادی از مراسم معمول "هما" در آئین های هندو اشاره میکنیم^۸:

آرزوی طول عمر = Aayushya homa

⁸ http://en.wikipedia.org/wiki/Homa_%28ritual%29

آرزوی سلامتی=Dhanavantri

از میان بردن صفات منفی در جهت افزایش اعتماد به نفس=Durga homa

بر مشکلات فائق آمدن=Ganapathi homa

برخورداری از ثروت مادی و سعادت=Lakshimi Kubera homa

تشویق به ازدواج برای مجردین و آرزوی پایداری برای مزدوجین=Mahadevi homa

برای نام گذاری کودکان=Punyahavachana homa

گرم کردن خانه با وسایل مناسب و مطمئن=Vastu homa

تشویق دانش آموزان به آموختن=Vidya homa

آرزوی صلح و هم آهنگی جهانی، هم آهنگی خود با جهان، الهام از Vishwa Shnthi homa= آتش "هما"، پاک

۵- در کتاب مقدس اوپانیشاد(Upanishads) هندوها "برهمن"(Brahman) را چنین معنا میکنند: الف: رویش، ب: گسترش و فراخ شوی، پ: تحول، ج: توسعه یابی،. "برهمن" بُن یا تخم پیدایش و گردش و تکامل یا اصل جهان و کاینات بشمار می آید. "برهمن" هم از نقطه نظر واژه شناسی و هم از نقطه نظر مضمون فرهنگی همان "بهمن" در فرهنگ ایران است. بهمن تخم ها یا مینوی مینوهای کاینات بشمار می آید. عامل اتصال، پیوند اضداد و برقراری ریتم و هم آهنگی بین آن هاست. "میان" لقب بهمن و "جگر" عضو درشکم، میان تن انسان با بهمن این همانی داده میشود. بهمن(جگر) عامل پیوند دو قسمت بالا و پائین تن انسان است.

۶- "آگونی" یا آگنی همان "اخگر"، آتر یا آتش در زبان فارسی است. آتش در فرهنگ ایران باستان نماد همزادی، نوزائی و جفت و متصل شدن را داشته است. به همین مناسبت است که در بسیاری از جشن های ایرانیان برافروختن آتش مرسوم است. "اخگر" و آتش از برخورد سنگ و یا ازدواج سنگ ها حاصل میگردد. از این جهت است که سنگ نیز محل اتفاق، اتصال و عشق تعبیر میشده است. سنگ و آتش ارجی هموزن داشته اند. بی هموده نیست که "حَجَر" معرب "اخگر" ساخته شده است. آتش قبله زرتشتیان و حَجَر(الاسود) قبله مسلمانان است.

۷- در برخی از مناطق که دسترسی به درخت هی نوکی نیست از برگ های درخت سرو(Japanese Cedar) استفاده میکنند. درخت سرو نیز بمانند هی نوکی از رسته (Cupressaceae) است. (درخت هی نوکی را در واژنامه فارسی همان سرو معنا کرده اند.) سرو در فرهنگ ایران باستان مظهر راستی، صافی و بلندی و تنومندی است که زمین را به آسمان یا انسان را با خدای خود پیوند میدهد. سرو در عین حال دارای برگ های سوزنی قابل سوختن است و سوختن و برافروزی آتش نیز نماد پیوند و اتصال بشمار میرفته است. (ضمنن به مطالب جالبی در باره سرو در صفحه ۳۸ از کتاب "مولوی بلخی و سایه هما" نوشته م- جمالی نگاه کنید.)

۸- در مورد ریشه و تاریخ دقیق برگزاری چهارشنبه سوری بین پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد. آنچه که محرز است چهارشنبه سوری یک رسم رایج در آئین زردشتی نبوده است. از طرفی برخی معتقدند که این رسم ریشه عربی دارد ولی در جریان تاریخ ویژگی ایرانی بخود

گرفته است. پیروان زردشتی در پنج روز مانده به نوروز با افروختن آتش در حیاط و یا روی پشت بام های خود به استقبال فرورها میرفتند و هرگز از روی آتش به جهت مقدس بودن آن نمی پریدند. اما حکایت میکنند که عرب ها اصولن پرستش آتش را منع کردند ولی چون چهارشنبه را نحس میدانستند برای رهائی از این نحسی آتش می افروختند. ایرانی ها با درایت، از عمل آتش افروزی عرب ها مراسم شادی آفرین و الهام بخش چهارشنبه سوری را بنیان نهادند.

آتش پرستی در ایران

چه پرستش آتش چه ستایش آن از دوران قبل از اشاعه آئین زرتشتی در ایران باستان رواج داشته است. آتش و ارجی که در آئین زرتشتی به آن مینهند یادگار باورهای گذشته گان به این پدیده فیزیکی است، بنابراین آتش هرگز در آئین زرتشتی از اصالت برخوردار نیست. اقوام ماد که به مغ ها معروفند آتش پرست بودند^۹، جمشید اولین انسان در باورهای خرمدینان و یا پادشاه موفق و با صلابت ایران باستان که از فرمان اهورامزدا برای پذیرش پیامبری سر باز زد سازنده آتشکده(جدول ۱) بوده است. کرشاسب یا سام پدر زال، فریدون و گشتاسپ، کیخسرو از پادشاهان پیشدادیان خود سازندگان آتشکده بوده اند. گشتاسپ اولین پادشاهی بود که آئین زرتشت را پذیرا شد و در پناه او بود که زرتشت توانست دین خود را گسترش بدهد. زرتشت بعد از گزینش به پیامبری از طرف اهورامزدا به گشتاسپ دستور میدهد تا آتش را که جمشید احترام می کرد پیدا کند. آن را در خوارزم(ازبکستان کنونی) یافتند و به "دارابگرد" پارس آوردند^{۱۰}.

جدول ۱ آتشکده های ایران باستان از عصر قبل تا بعد از ظهور آئین زرتشت

نام آتشکده	جای آتشکده	نام سازنده
آذر فَرَن بَغ	خوارزم	جمشید
آذر گشسپ	فردجان(فراهان قم)	جمشید
آذر وَر داستر	بَخْلان(پیشه ده)	فریدون
آذر کاسگان	کاش	زاب(زو)
کرکوی	سیستان	کرشاسب
بُرزین	فارس	کرشاسب
آذر گشسپ	استوند	کیخسرو
ماه گشنسپ	برزه(آذربایجان)	کیخسرو
آتش زرتشت	نیشابور	کیخسرو
برزین	بلخ	لهراسب
آذرگشسپ	بلخ	گشتاسپ
بُرزین مهر	ریوند	گشتاسپ
آذر فَرَن بَغ	کاریان	گشتاسپ
آذر فَرَن بَغ	کاریان	انوشیروان
آذر فَرَن بَغ	فسا	انوشیروان

فریدون که معروف است به بنیانگذار "مهرپرستی" در ایران، اولین کسی است که آتشکده بنا نهاد. روزی که فریدون در جنگ بر ضد ضحاک ماردوش پیروز می شود دستور میدهد تا جشن و آتش افروزی بر پا کنند. برخی معتقدند این روز را روز مهر یا "جشن مهرگان" نامیدند.

^۹ زرتشیان برای پرهیز از برچسب آتش پرست به جای واژه مغ از موید استفاده کردند.
^{۱۰} پیامبر آریائی- ریشه های ایرانی در کیش های جهانی. امید عطائی فرد- تهران: عطائی. ۱۳۸۶

البته برداشت یا تعبیر از پدیده آتش در دوران مختلف تاریخی با تفاوت هائی روبرو بوده است. آتش بُرزین مهر یا آتش مهر(میترا) در باورهای مهر پرستی پیش از زرتشت رواج داشته است. مهر یا میترا با خورشید این همانی داده میشد و آتش او نیز نمادی از روشنائی خورشیدی را تداعی می کرد. خورشید علاوه بر خاصیت روشنائی و حیات بخشی آن الهام بخش برابری و مهر بوده است. این آتش در دوران ساسانیان بدست انوشیروان بابکان بنیانگزار این سلسله به آتش ویژه طبقه کشاورزان تبدیل شد.

در عصر ساسانی اقشار مردم را به طبقه موبدان، سپاهیان و کشاورزان تفکیک و تقسیم می کنند. موبدان به عنوان نمایندگان اهورامزدا بر روی زمین برای هر طبقه یک نوع آتش تعیین میکنند. از نوع آتش ویژه می توان به تعلق طبقاتی شخص پی برد. "آتش فَرَن بَغ" ویژه موبدان بود. فَرَن به معنای روشنائی یا حلقه نورانی، و بغ واژه ایست که برای خدا بکار میبردند. پس روشنائی خدا برای موبدان بود. آتش ویژه سپاهیان "آدرگشسپ" و آتش ویژه کشاورزان "بُرزین مهر" تعیین شد. از آن جایی که آتش قبله زرتشتیان است و از ستایش خاص برخوردار، این سه طبقه پیش اهورامزدا مورد احترام بوده، پاسدار گیتی شناخته می شوند. بعد از پراکندگی های دینی و ترویج تنوع عقیدتی یا کم ارج نهادن به آئین زرتشتی در عصر اشکانیان، شاهان ساسانی در راستای وحدت دادن به اجتماع از ساختن آتشکده های خصوصی جلوگیری کردند و در عوض آتشکده های حکومتی را بنیان گذاشتند. آئین زرتشتی به دین حکومتی تبدیل شد و بطور طبیعی باید مناسب، ایده و کنش های دینی هم منطبق با دستورات رسمی صادره از سوی حکومت شکل بگیرد. در مقابل این سه آتش زمینی، پنج آتش مینوی داریم که پیش اهورا مزدا بوده است. آذر برزی سونگهه که به آتش بهرام موسوم است. آتش وهوفریان که با حرارت در تن انسان و جانوران یکسان دانسته شده است. آذر اوروازیشته که در تن گیاهان است و آتش وازیشته که در رعد و برق ابرها نهان است. پنجمین آتش به آتش سپنیشته موسوم است که در عرش خدای زرتشت جای دارد.

بهرام به مانند مهر یا میترا در باورهای پیش از زرتشتی یکی از خدایان هفتگانه روزهای هفته بود. میترا خدای یکشنبه و بهرام خدای سه شنبه بود. اورمزد همردیف آن ها خدای پنجشنبه بود. خدایان از امتیاز ویژه ای برخوردار نبودند، در سازگاری و هم آهنگی همزیستی می کردند. بهرام به مانند میترا در آئین زرتشتی ابقا می شود ولی مقام آن ها به ایزدان تحت فرمان اهورامزدا کاهش می یابد. آتش بهرام را آتش اصناف و عموم تعبیر میکنند که ویژگی همگانی دارد و اثری از تبعیض طبقاتی در آن دیده نمی شود. به عبارتی این آتش که به چهارمین آتش اجتماعی خوانده می شود میتواند بوسیله تمام اقشار برافروخته شده مورد ستایش قرار گیرد. آتش بهرام از شانزده نوع آتش تشکیل شده است. ۱- آتش مخصوص سوزاندن جسد، ۲- آتش مخصوص صنف رنگرز، ۳- آتش پادشاه، ۴- آتش فن سفالگری، ۵- آتش مخصوص پخت آجر، ۶- آتش صنف رنجدیدگان، ۷- آتش فلزکاران، ۸- آتش ضرابخانه، ۹- آتش آهنگری، ۱۰- آتش ادوات جنگی، ۱۱- آتش خبازی، ۱۲- آتش تقطیر، ۱۳- آتش سپاهی(مسافر)، ۱۴- آتش شبان، ۱۵- آتش ساعقه، ۱۶- آتش خانه زرتشتی^{۱۱}. آن طور که در کتاب قانون دین زرتشتی، وندیدا

11 3つの火の起源—井本 英一、イラン研究—第6号、2010-大阪大学院言語文化研究科、言語社会専攻(専攻言語ペルシヤ語)

تاکید شده است سوزاندن جسد عامل آلودگی آتش پنداشته شده است و گناه بزرگ شمرده می شود و کيفر مرگ دارد ولی در برهه ای از زمان سوزاندن جسد اجرا ميشده است. وندیدا در زمان ساسانیان نگاشته شده است و به باور بسیاری از پژوهشگران از متونی متفاوت با آئین زرتشتی در عصر پادشاهان هخامنشی و اشکانی برخوردارست.

فرایند مقدس شدن آتش در آئین زرتشتی قدری پیچیده به نظر می آید. زیرا داستان های متضاد بسیاری مبنای ستایش آتش معرفی شده است. همان طور که در سطور پیشین هم اشاره شد قبل از ظهور زرتشت و رواج آئین او آتش پرستی و ستایش آتش در ایران باستان رواج داشته است و زرتشت با سعه صدر بسیاری از باورها و کنش های دینی پیشینیان از جمله ستایش آتش و آب و غیره را به دین خود ملحق کرده است. "مزدا" که لقب خدای آتش یا "آذر" است به "روشنائی بزرگ" معنا می شود^{۱۲} و این مزدا در واژه و مفهوم "هورمزدا" یا اهورامزدا، خدای نیک زرتشتی، خدای روشنائی بی نهایت، جایگاه فرزندی پیدا میکند. از طرفی ایزد مهر یا میترا که با خورشید این همانی داده می شود در پانتئون (دربار) اهورامزدا به فرزند او منتسب است. بنابراین جای شگفتی نیست که "مزدا" را برابر با "میترا" بپذیریم و اهورامزدا را در جایگاه پدر میترا، روشنائی و رای خورشید یا نور بینهایت بشناسیم، که البته همین طور هم هست. (تثلیث در آئین زرتشتی از اهورامزدا، میترا و آناهیتا ترکیب یافته است.)

رابطه روشنائی با آتش در استوره آفرینش اهورائی که یکی از سه ایده آفرینش در زرتشتی است خوبی مشهود است. در بُنْدَهَش کتاب استوره آفرینش جهان خاکی می آید که اهورا مزدا یا اورمزدا از روشنائی بینهایت خود تنی کامل از آتش می سازد، که از سر آن آسمان، از پای آن زمین و از دست چپ آن انسان (گیومرث) و از دست راست آن گاو را می آفریند. از موی این تن آتشین گیاه و از اشک آن آب پدید می آید. گیومرث اولین انسان در آئین زرتشتی است که در نهایت بدست اهریمن نابود می شود ولی از خون او هوشنگ زائیده می شود. جای شگفتی نخواهد بود که ذرات هستی و بخصوص انسان را از گوهر آتش بدانیم که هر آن شعله سر میکشد و در صدد پرواز به آسمان است. شاید بتوان گفت این اولین مناسبت ایجاد شده است تا از آتش درونی تعبیر یا توصیفی معنوی و عرفانی تولید کنیم. آتش درون جانداران و بخصوص انسان منبع جوشش توانائی های جسمانی و شعوری خواهد بود که هم خود زاینده و نوآورنده و گرم کننده و پرورش دهنده است که محدودیتی در برابر بالندگی خود پذیرا نیست. از این جاست که آتش به عنوان نماد روشنائی بینهایت اهورامزدا قبله مومنان زرتشتی می شود (فررتور ۲۵).

زرتشتی های با جامه سفید در هنگام عبادت با قرار گرفتن روبروی قبله آتش برای جلوگیری از آلوده شدن آتش از ماسک سفیدی که بینی و دهان آن ها را می پوشاند استفاده می کنند. زیرا آن ها بر این باورند که حتا دم و بازدم در هنگام اوستاخوانی آتش را آلوده میکند. در وندیدا کتاب قانون زرتشتی ها جرم های بسیار سنگینی برای افرادی که سبب آلوده شدن آتش می شوند در نظر گرفته شده است. سوزاندن نعش در آتش جرم مرگ را به همراه دارد. حتا پریدن از روی آتش در مراسم چهارشنبه سوری که از دورزمان های دیرینه به رسم ملی ایرانی ها تبدیل شده است در زرتشتی مذموم دانسته میشود

۱۲ تفسیر اوستا. جیمس دارمستتر، ترجمه دکتر موسی جوان. دنیای کتاب ۱۳۸۵

استوره تجربه آتش هوشنگ نیز مبنائی برای ستایش آتش یاد شده است. هوشنگ در هنگام شکار ماری را می بیند که بقصد کشتن آن سنگی را پرتاب میکند که بر حسب تصادف به مار نمی خورد، بلکه به سنگ دیگری اصابت می کند و از اخگر حاصل شده در محل آتشی بر پا می شود که مورد شادی و رضایت هوشنگ قرار می گیرد. هوشنگ دستور بر پائی جشن باشکوهی از آتش را میدهد که مبنای جشن سده می گردد.



فرتور ۲۵ محراب و قبله زرتشتیان در عبادتگاه



فرتور ۲۶ آتش جشن سده و دعا خوانی توسط پیروان آئین زرتشتی در ایران

از آن زمان به بعد ستایش آتش مرسوم و به احترام از آن جشن و نماز خوانی بر پا می شود. سده در روز دهم ماه بهمن، روز آبان یا آناهیتا، چهل روز بعد از یلدا مخصوصا در بین پیروان آئین زرتشت گرامی داشته میشود (فرتور ۲۶).

با وجود این که این جشن از جمله میراث های باور زرتشتی نیست ولی در طول تاریخ فرهنگی ایرانیان بوسیله این دین پذیرفته شده و هر ساله با شکوه برگزار می شود. در باره واژه "سده" نظرات متفاوتی بیان شده است. بنابر نظر دکتر مهرداد بهار "سده" به چم (معنی) پیدایش و آشکار شدن است و جشن سده برگزاری روز چهلم ایزد مهر (شب یلدا) انگاشته می شود. بیرونی "سده" را برابر با عدد صد دانسته و گفته است که هرگاه بشمارند تا نوروز؛ صد شب و روز بدست می آید. یا این که سده مصادف با صدمین روز از فصل زمستان در تقویم کهن ایرانیان باشد. در تقویم کهن دو فصل یا چهره وجود داشته است. فصل اول تابستان هفت ماه سی روزه و فصل دوم زمستان پنج ماه سی روزه بوده است.

پیدایش آتش از برخورد و اصطهکاک دوسنگ به تعبیر این همانی گوهر سنگ و آتش می انجامد. سنگ نیز در ایران باستان به مانند باورهای ژاپنی (به صفحه ۳ نگاه کنید) در دل خود خاصیت نوزائی و نوآفرینی پیدا میکند. بی جهت نیست که در مقابل آتش که قبله زرتشتیان است سنگ سیاه (حجرالاسود) کعبه قبله مسلمانان می شود.

از طرفی به نقل از پیروان اولیه دین زرتشت پیدایش آتش و تقدس آن به نحو دیگری معرفی می شود. به عنوان مثال در شاهنامه اسفندیار پس از گرایش به این آئین می گوید که زرتشت آتش را از پیش خدا از بهشت به ارمغان آورده است:

بر افروختم آتش زردهشت که با مجمر آورده بود از بهشت
به پیروزی دادگر یک خدای به ایران چنان آمدم باز جای
که ما را به هر جای دشمن نماند به بت خانه ها در، برهمن نماند

این شاهد در تضاد با پیام زرتشت به اولین پیروی خود یعنی گشتاسب است که او را برای جستجوی آتش جمشید و ادار می کند.

تقدس آب در فرهنگ ایران

جشن تیرگان یا جشن آب- از دیر باز در سیزدهم ماه تیر هر سال جشن تیرگان بر گزار میشده است. در استوره های جاویدان ایران در چنین روزی که شروع فصل گرما و خشکسالی است ستاره تیشتر (ستاره متعلق به ایزد مهر که شباهنگ نیز گفته میشود) با حرارت از آسمان باران میبارد. در چنین روزی بزرگسالان با ادای "نیاش مهر" و "نیایش خورشید" جشن را آغاز میکردند و بهمدیگر هدیه میدادند. هدایای را با روبان رنگینی که نشان از رنگین کمان حاصل از باران می بود زینت میدادند. در انتها بچه ها این روبان های رنگین را به دست خود می پیچیدند و با آب پاچیدن به یکدیگر در شور و شغف به بازی می پرداختند. این جشن به مدت ده روز ادامه می یافت و در روز آخر بچه ها روبان های خود را در هوا رها می کردند تا به ایزد "باد" سپرده شود.

تیشتر (دب اکبر) ستاره درخشانی است که حتا درخشش آن از خورشید هم قوی تر است ولی به جهت فاصله زیادش از زمین چشمگیر نیست. این ستاره در شب یلدا شب تولد ایزد مهر (میترا)

در آسمان تاریک به وجه زیبایی می درخشد به گونه ای که به خورشید شب موسوم است، درخشش ستاره تیشتر در شب یلدا را منادی تولد زودهنگام میترا در روز یلدا تعبیر می کنند. "نیایش مهر" یا "نیایش خورشید" درحین جشن تیرگان همچنان تاثیرات باورهای آئین مهرپرستی را تداعی میکند

تقدس آب در آئین مندائی - پیروان آئین صابئین یا صابیان (Sabean) آب را پرستش می کردند. آن ها قبل از آئین زرتشت به عنوان "مجوس اقدمین" فعال بودند و باقی مانده آن ها که به مومنین ماندائی (Mandaeism) موسوم هستند در اهواز کنونی ایران غسل در آب جاری را از فرایض اساسی دین خود میدانند. در باره وجه تسمیه دو واژه "صابی" و "ماندا" لزومن نظرات یکسان ابراز نشده است. برخی صابی را "زابی" منسوب به زاب که آب باشد را حقیقی میدانند و زاب نام دو رود بزرگ در غرب، در سرحدات ایران و عراق بوده است. آن ها پیروان آئین مهر بودند و در زمان پادشاهان اشکانی که به این دین ارج وافر روا داشته میشد و به عنوان دین دولتی شناخته می گردید از عزت و احترام شایانی برخوردار بودند. روز یکشنبه را که در بین مهرپرستان (میترائیست ها) روز مقدس ولادت مهر (ایزد آفتاب) تعبیر میشده است ستایش می کردند.

(در یادنگاشته های پیروان "عیسا ناصری" ... از ایزد بانوی آرتمیس که همان "آناهیتا" می باشد، یاد شده که پرستیده مردم آسیا و سراسر جهان بشمار می رفت و نگاهبان سنگ مقدسی بود که از آسمان به زمین آمده بود- پیامبر آریائی ص ۱۹۶).

"ماندا" به نظر جمعی از واژه مادا یا "ماد" مشتق شده است ولی فولتس^{۱۳} در کتاب "معنویت در سرزمین آزادگان" ماندا (Manda) را یک واژه آرامی و به معنای "معرفت" می داند. ماندائی ها هم یکشنبه را روز اول هفته، روز تولد ایزد مهر مقدس میدانند. آن ها از پیروان حضرت یحیی (Johns) و در بین اعراب به مومنین حنفی موسوم اند.

ماندائی ها در جوار رودخانه و یا آب های جاری منزل دارند و مراسم غسل خود را که "رشامه" نامیده می شود در آب های جاری بر گزار می کنند. آن ها خود را در جامه سفید می پوشانند (فرتور ۲۷)، کمر بندی پشمین و سپید به دور کمر و دنباله دستارشان را به دور دهان می بندند. آن ها که به سپیدجامگان مندائی معروفند با "یردنا" یا وضو گرفتن با آب جاری و بوئیدن آب مراسم غسل خود را با خواندن سرودهای مذهبی و یاد خدا به انجام میرسانند. (یکی از فرشتگان شان "بهرام" نام دارد و قانونهایشان بسی همساز با کتاب وندیدا "قانون ضد دیو مزدائی ها" می باشد. مقام روحانی را "ریشا" می نامند که یادآور دینمردان تمدن آنتشان و شوش "ایلام" بوده و دامنه اش تا هند کهن نیز کشیده شده که در آنجا به گونه "ریشی" می خوانده اند- پیامبر آریائی ص ۱۹۷). مراسم "رشامه" شباهت بسیاری با مراسم "می سوگی" ژاپنی دارد.

13 SPIRITUALITY IN THE LAND OF THE NOBEL-How Iran Shaped the World's Religions, Richard C. Folts- one world publication, 2004



فرتور ۲۷ مراسم "رشامه" یا غسل در آب های جاری در دین ماندانی(تصاویر از خبرنگاری مهر است)

بن مایه:

1. 火と水の祭り—民俗文化の源流を探る—淡交ムック、1996.5.2
2. 瓜生 中：知っておきたい日本の神話、2007,角川文庫14938
(استوره های ژاپن که آگاهی بر آن ها لازمست- ناکا اوچو)
جالب است که نویسنده در ابتدای این کتاب انگیزه نگارش آن را در رابطه با یک جوان ایرانی میدانند که از ریشه های هویتی خود در نهایت غرور صحبت میکرده است. جوان ایرانی در حالی که از ریشه هویت خود در استوره های اسلامی(!) به خود می بالد از نویسنده در مورد ریشه هویتخودش سوال میکند که نویسنده از جواب مناسب در می ماند. همین آشنائی با جوان ایرانی و برانگیختن او عامل نگارش کتاب مزبور میگردد. (بعید نیست که نویسنده استوره های ایرانی را به تعبیر خود اسلامی فرض کرده باشد زیرا که ما چیزی به نام استوره اسلامی نداریم.)
3. 3つの火の起源—井本 英一、イラン研究—第6号、2010-大阪大学院言語文化研究科、言語社会専攻 (専攻言語ペルシヤ語)
4. <http://wadaphoto.jp/maturi/kasima3.htm>
5. IMOTO Eiichi, Influence of Iranian Culture to Japan. In Journal of Iranian Studies(Iran Kenkyu), Vol II, 2006--- イラン研究、第2号、2006
6. 封印された日本古代史 ミステリー、久慈 力 著—2008 Gakken-pp130
7. مولوی بلخی و سایه هما" نوشته م- جمالی
8. [hppt://en.wikipedia.org/wiki/Homa_%28ritual%29](http://en.wikipedia.org/wiki/Homa_%28ritual%29)
9. پیامبر آریائی- ریشه های ایرانی در کیش های جهانی. امید عطائی فرد- تهران: عطائی. ۱۳۸۶
10. تفسیر اوستا. جیمس دارمستتر، ترجمه دکتر موسی جوان. دنیای کتاب ۱۳۸۵
11. بندهش- فَرَنَبِغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار- کتابخانه ملی ایران ۱۳۸۵
12. مجموعه قوانین زرتشت یا ونیدیا اوستا- دارمستتر ترجمه دکتر موسی جوان- نشر دنیای کتاب ۱۳۸۵
13. SPIRITUALIT IN THE LAND OF THE NOBEL-How Iran Shaped the World's Religions, Richard C. Folts- one world publication,2004